اطاعت از خاتم پیامبران در قرآن کریم

نادره حیدری اصفهانی*

دکتر علی شیخ الاسلامی**

دکتر سوسن آل‌رسول***

چکیده: رسول و امّت، هر یک مسئولیّتی دارند. رسول، مسئول تبلیغ آیات و احکام الهی است و امّت اسلامی، مسئول فهم و پذیرش دعوت الهی. در واقع، حقیقت اطاعت، کوشش برای رسیدن به هدف والای رسول است.

مسئولیّت خاتم پیامبران، بلاغ آشکار و وظیفهٔ مؤمنین، اطاعت در مقابل وظیفهٔ رسول، یعنی بلاغ است. اطاعت مؤمنین از رسول اکرم موجب هدایت، قبولی اعمال، وحدت و دوری از گناه می‌شود و سرپیچی از دستورات، باعث عذاب دنیوی و اخروی است. بنابراین، اطاعت از رسول یکی از موارد امتحانات الهی برای مؤمنان است.

کلید واژه‌ها: اطاعت خدا / اطاعت رسول / اولی الامر / سنّت.

---

*. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.

* . استاد دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

***. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

۱. مقدّمه

فرمان خدا و رسول، هویّتی واحد دارند و اطاعت از خداوند درگرو اطاعت از رسول اوست. «اطاعت خدا» تسلیم شدن برای اوست، در احکامی که تشریع کرده و پذیرفتن آنها بدون چون و چرا، ضروری است و «اطاعت رسول» فرمانبرداری از دستوراتی است که از آن حضرت به‌حسب ولایتی که بر مردم دارد و البتّه از جانب خدا دریافت کرده است صادر می‌شود.

آنچه پیامبر طبق قرآن دستور داده است، اعمّ از اوامر و نواهی، همگی رسالت خداوند است، و اطاعت مردم در آن نیز مانند اطاعت اوامر و نواهی خداست، درحقیقت امر و نهی پیامبر از مصادیق امر و نهی خداوند است، هر چند که در مورد غیر احکام و شرایعی باشد که خداوند وضع فرموده است و به آن سنّت می‌گویند.

۲. اطاعت از خدا و اطاعت از رسول

در پنج آیه از قرآن کریم اطاعت از رسول درکنار اطاعت از خدا آمده است:

﴿وَ أَطِيعُواْ اللهَ وَ أَطِيعُواْ الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾

(تغابن (۶۴) / ۱۲)

و خدا را فرمان برید و پیامبر [او] را اطاعت نمایید و اگر روی بگردانید، [تکلیفِ] پیامبر ما فقط پیام‌رسانیِ آشکار است.

الطَّوْعُ: انقیاد و فرمانبری؛ **طَاعَة**: بیشتر در فرمانبرداری است ،با رأی و اختیار در آنچه امر شده و دعا کردن و خواندن خدا به بزرگی در آنچه منظور شده است و معنی دقیق طاعت، همان به بزرگی یاد کردن خدا و تسبیح و تنزیه اوست. (راغب اصفهانی، ج ۲، ص ۵۱۲)

اطاعت رسول خدا، خود بخشی از اطاعت خداوند است؛ چراکه آن حضرت از خود چیزی نمی‌گوید و تکرار «اطیعوا» در آیه، اشاره به همین است که این دو در عرض هم نیست، بلکه یکی از دیگری سرچشمه می‌گیرد. اطاعت خداوند، شامل

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

اصول قوانین و تشریع الهی است، در حالی که اطاعت رسول تفسیرها و مسائل اجرایی را دربرمی‌گیرد. بنابراین، یکی اصل و دیگری فرع آن است.

رسول، موظّف به رساندن پیام حق است و کسانی که از آن روی برگردانند بعداً سروکار شان با خداست و این تعبیر تهدید جدّی است از آن جهت که قطعیّ‌الصّدور است و سربسته و مبهم است از آن جهت که معلوم نیست که سرپیچی‌کننده، به عذاب دنیوی یا اخروی دچار خواهد شد.

اطاعت می‌تواند معیاری برای سنجش ایمان شناخته شود: ﴿**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ أَطِيعُواْ اللَّهَ وَ أَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُواْ أَعْمَالَكُمْ**﴾ (محمّد (۴۷) / ۳۳) *ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ خدا را اطاعت کنید و از پیامبر [او نیز] اطاعت نمایید و کرده‌های خود را تباه مکنید.*

آیه مؤمنان را به حفظ و محکم کردن ایمان به‌واسطهٔ اطاعت از خدا و رسولش دعوت می‌کند. (خطیب عبدالکریم، ج ۱۳، ص ۳۷۴۳)

طبق سیاق آیات، مفهوم اطاعت خدا به‌حسب مورد، در احکام مربوط به جهاد است و مراد از اطاعت رسول، اطاعت او در هر دستوری است که مأمور به آن و ابلاغ آن شده است و نیز هر دستوری که آن را به ولایتی که در آن داشته، صادرکرده است و روی گرداندن از دستورات و باطل کردن احکام، تخلّف از حکم جهاد است، آن‌طور که منافقان و مرتدّان تخلّف کردند.

اصول و فروع اسلام، چنان به هم وابسته است که اطاعت نکردن و روی گرداندن از رسول، موجب بطلان اعمال است. در آیه‌ای دیگر صدقه دادن با منّت و آزار دادن هم، عاملی برای تباهی و نابودی اعمال است: ﴿**لا تُبْطِلُوا صَدَقاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذى**﴾ (بقره (۲) / ۲۶۴) در این آیه، حکمی از اصول، در مقابل حکمی از اخلاق و فروع قرار دارد.

همان‌طور که در ابلاغ رسالت، هدایت است در اطاعت نیز هدایت است که این

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

دو از هم تفکیک‌ناپذیرند: ﴿**قُلْ أَطِيعُواْ اللَّهَ وَ أَطِيعُواْ الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَ عَلَيْكُم مَّا حُمِّلْتُمْ وَ إِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُواْ وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ**﴾ (نور (۲۴) / ۵۴) *بگو: خدا و پیامبر را اطاعت کنید. پس اگر پشت کردید، [بدانید که] بر عهدهٔ اوست آنچه تکلیف شده و بر عهدهٔ شماست آنچه موظّف هستید. و اگر اطاعتش کنید راه خواهید یافت و بر فرستادهٔ [خدا] جز ابلاغ آشکار، [مأموریّتی] نیست.*

این آیه، نقش رهبری و مسئولیّت امّت را بیان می‌فرماید.

اطیعوا الله در اقرار به توحید و فرایض الهی و در حلال و حرام و حدود و احکام است و **اطیعوا الرّسول** در اقرار به رسالت رسول و اطاعت در سنّت. (سورآبادی، ج ۳، ص ۱۶۹۰)

یکی از آثار پربار و ارزشمندی که در اطاعت وجود دارد، دوری از گناه است: ﴿**وَ أَطِيعُواْ اللَّهَ وَ أَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَ احْذَرُواْ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُواْ أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ**﴾ (مائده (۵) / ۹۲) *و اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید و [از گناهان] بر حذر باشید، پس اگر روی گرداندید، بدانید که بر عهدهٔ پیامبر ما، فقط [رساندنِ] پیامِ آشکار است.*

تأکیدی که پیشتر بر اجتناب از پلیدیها کرده بود (طبق سیاقِ آیاتِ اجتناب از خمرو میسر و...)، به همراه این آیه، نوعی تهدید به‌شمار می‌آید، به ویژه آنکه می‌فرماید: «**فاعلموا**»؛ زیرا این خود اشاره است به اینکه شما مرتکبین، خمر و میسر و غیره و نافرمانیهای خود را نوعی غلبه بر رسول‌الله پنداشته‌اید و نفهمید یا فراموش کرده‌اید که رسول‌الله در این بین سود و زیانی ندارد و جز رسانیدن پیغام و تبلیغ مأموریّت خود وظیفهٔ دیگری بر عهده‌اش نیست و این نافرمانیها، نتیجه‌اش دشمنی با خداوند است و ندانستید که شما درحقیقت، در مقام معارضه با ربوبیّت پروردگار خود برآمده‌اید. (طبری، *جامع‌البیان في تفسیر القرآن*، ج۷، ص: ۲۴؛ مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۶، ص ۱۸۵)

مؤمنان باید سلسله مراتب اطاعت را بدانند تا پراکنده و از هدف دور نشوند و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

تسلیم باشند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ أَطِيعُواْ اللهَ وَ أَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَ أُوْلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْأَخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلاً﴾ (نساء (۴) / ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. پس هرگاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنّت] پیامبر [او] عرضه بدارید؛ این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است.

اوّل: **أَطِيعُوا اللهَ** در فرایض؛ دوم: **أَطِيعُوا الرَّسُولَ** در سنّت؛ سوم: **أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ**: در امامت و ولایت.

امرای مسلمین در زمان رسول و بعد ایشان، خلفا و سلاطین و قضات و غیرهم، و مراد از آن، امرای انتخاب شده توسّط مردم. (آلوسی، *روح المعانی في تفسیر القرآن العظیم*، ذیل آیه)

در آیه، اطاعت رسول و اولی‌الامر در پی هم آمده و نشان‌دهندهٔ ادامهٔ رسالت، یعنی امامت است.

اطاعت، ریشه‌های اختلاف و مشاجره و نزاع را در جامعه قطع می کند. هرگاه بین مؤمنان درگیری و مشکلی پیش آید، لازم است مسئله را به خدا و رسولش و بعد از رسول به اولی‌الامر ارجاع دهند و از نفاق بپرهیزند و نباید که به ظاهر اظهار ایمان کنند ولی وقتی بعد از ارجاع مسئلهٔ مورد اختلاف، خدا، رسول یا اولی‌الامر به زیان یکی حکم کرد، برنجند و تسلیم حکم خدا نشوند. مؤمنان باید که در هرحال تسلیم اوامر باشند.

مراد از اولی‌الامر، افرادی از امّت‌اند که در گفتار و کردارشان معصوم‌اند و به‌راستی اطاعتشان واجب است، به‌عین همان وجوبی که در اطاعت خدا و رسولش مقرّر شده است و چون ما قدرت تشخیص و یافتن این افراد را نداریم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

به‌ناچار محتاجیم به اینکه خود خدای تعالی در کتابش یا از زبان رسول گرامیش این افراد را معرّفی کند و به نامشان تصریح فرماید. مصادیق اولی‌الامر در آیهٔ شریفه، کسانی هستند که رسول خدا در روایاتی از طرق ائمّهٔ اهل بیت علیهم‌السلام به نام آنان تصریح کرده و فرموده است که اولی‌الامر، ایشان‌اند. (طباطبایی، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، ج ۴، ص ۶۳۶)

اسلام مکتبی است که عقاید و سیاستش به هم آمیخته است. اطاعت از رسول و اولی‌الامر که امری سیاسی است، با ایمان به خدا و قیامت که امری اعتقادی است، آمیخته است.

در قرآن، خوش فرجامی برای دوگروه اطلاق شده است: اوّل برای مطیعان خدا و رسول و اولی‌الامر؛ دوم، برای آنان که پیمانه‌ها را کامل می‌کنند و ترازوها را درست می‌سنجند و کم‌فروشی نمی‌کنند. ﴿**وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلاً**﴾ (اسراء (۱۷) / ۳۵)

۳. اطاعت از خدا و رسولش، ﴿اَطِيعُوا اللهَ وَ رَسُولِهِ﴾

در شانزده آیه از آیات قرآن، اطاعت از خدا و رسول بدون تکرار کلمهٔ «**اَطِيعُوا**» آمده است که دلالت بر آن دارد که بین اطاعت خدا و پیغمبر، ملازمه است و هیچ‌یک بدون دیگری فایده نخواهد داشت و عطف هر دو به هم، بدون تکرار فعل، هرآینه تلازم بین آن دو را محقّق نماید. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ج ۲، ص ۲۴۲)

ایمان هنگامی ارزش دارد که با اطاعت رسول همراه باشد. ﴿**وَ إِن تُطِيعُواْ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً**﴾ (حجرات (۴۹) / ۱۴)

اطاعت از رسول عاملی برای وحدت و یکپارچگی است. ﴿**وَ أَطِيعُواْ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُواْ فَتَفْشَلُواْ وَ تَذْهَبَ رِيحُكُم**﴾ (انفال (۸) / ۴۶)

اطاعت از رسول، اصل ایمان است. ﴿**وَ اَطِيعُوا اللهَ وَ رَسُولَهُ**﴾ (انفال (۸) / ۱) ﴿**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ أَطِيعُوا اللهَ وَ رَسُولَه**﴾ (انفال (۸) / ۲۰)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

و اطاعت رسول در هر شرایطی واجب است. ﴿لَّيْسَ عَلَىَ الْأَعْمَى حَرَجٌ وَ لَا عَلَىَ الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَ لَا عَلَىَ الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَ مَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَار﴾ (فتح (۴۸) / ۱۷)

زیرا سنّت رسول، حجّیّت دارد. ﴿مَن يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللهَ﴾ (نساء (۴) / ۸۰)

بر حکم وجوب اطاعت خدا و رسول تأکید شده است. ﴿ءَ أَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَىْ نَجْوَيكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُواْ الصَّلَوةَ وَ آتُواْ الزَّكَوةَ وَ أَطِيعُوا اللهَ وَرَسُولَه﴾ (مجادله (۵۸) / ۱۳)

و رحمت خاصّ الهی شامل حال اطاعت‌کنندگان از رسول می‌شود، که با یک مضمون و تفاوتهای لفظی‌اند که در سه آیه ذکر شده است. ﴿وَ أَطِيعُواْ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُون﴾ (نور (۲۴) / ۵۶ و آل عمران (۳) / ۱۳۲ و توبه (۹) / ۷۱)

و هر کس متوسّل به رسول شود حتماً این توسّل مؤثّر است. ﴿وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللهَ تَوَّاباً رَّحِيماً﴾ (نساء (۴) / ۶۴)

وعده‌های رسول، صدق و از این‌رو اطاعت از این وعده‌ها نیز واجب است: ﴿مَا وَعَدَنَا اللهُ وَرَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللهُ وَرَسُولُهُ﴾ (احزاب (۳۳) / ۲۲)

و به‌دلیل صادق بودن وعده‌های رسول، رؤیای رسول هم راست است. ﴿لَّقَدْ صَدَقَ اللهُ رَسُولَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ﴾ (فتح (۴۸) / ۲۷)

پاداش اطاعت از رسول، هم‌جواری با همهٔ انبیا و اولیاست. ﴿وَ مَن يُطِعِ اللهَ وَ الرَّسُولَ فَأُوْلَئكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللهُ عَلَيهِم مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِين﴾ (نساء (۴) / ۶۹)

و عاقبت اطاعت از رسول، بهشت است. ﴿وَ مَن يُطِعِ اللهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا﴾ (نساء (۴) / ۱۳)

و اطاعت از رسول، رستگاری حقیقی است. ﴿وَ مَن يُطِعِ اللهَ وَرَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللهَ وَ يَتَّقْهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ (نور (۲۴) / ۵۲)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

۴. مقدّمهٔ اطاعت از رسول

آیات الهی مقدّمهٔ اطاعت را اجابت فرمان رسول حتّی در سخت‌ترین شرایط می‌دانند:

﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُواْ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ مِن بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُواْ مِنْهُمْ وَ اتَّقَوْاْ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران (۳) / ۱۷۲)

کسانی که [در نبرد احد] پس از آنکه زخم برداشته بودند، دعوت خدا و پیامبر [او] را اجابت کردند، برای کسانی از آنان که نیکی و پرهیزگاری کردند پاداشی بزرگ است.

اجابت به‌معنای قبول کردن است و در واقع، قطع و پایان دادن به سخن و خواست گوینده است، خواه به فعل باشد یا به قول. (قرشی، ج ۲، ص ۸۷) استجابت به‌معنی اجابت، حقیقت آن، مهیّا شدن برای جواب است که از کسی چیزی بخواهی و او پاسخت را با قبول بدهد و خواسته‌ات را بر آورد و چون مهیّا شدن از اجابت جدا نیست، اجابت را استجابت گفته‌اند. (راغب اصفهانی، ص ۲۱۰؛ طریحی، ج ۲، ص ۲۸)

در آیه، هم نام خدا و هم نام رسول برده شده است. اگر نام خدا برده شده، به دلیل این است که فرمان جهاد را گوش داده و پا به عرصهٔ کارزار گذاشته‌اند و نام رسول برده شده است که اطاعت از فرامین رهبری کرده و تسلیم امر او شده‌اند.

ابوسفیان و یارانش از احد بازگشتند و به وحاء رسیدند. از تعجیل در بازگشت خود پشیمان شدند و همدیگر را ملامت کردند که چرا نه محمّد را کشتید و نه زنانشان را اسیر کردید؟ آنها را بکشتید؛ وقتی که رمقی بیش از ایشان نماند رهایشان کردید. اکنون بازگردید و به کلّی نابودشان کنید و ریشه‌کنشان سازید. این خبر به پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید؛ تصمیم گرفت دشمن را بترساند و از خود و یارانش نیرویی نشان و نمایش دهد. لذا اصحابش را برای خروج و تعقیب ابوسفیان جمع کرد و فرمود:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

آیا دسته‌ای یافت نمی شوند که برای خدا محکم باشند و شدّت عمل بـه خـرج دهند و دشمن او را تعقیب و طلب نمایند که این کار دشمن را ذلیل کند؟

جمعی از صحابه با همه جراحتهایی که داشتند آمادهٔ این کار گشتند و مـنادی پیامبر ندا داد که با ما بیرون نشود مگر آن کس که دیروز در احد با ما حاضر بود و مراد پیامبر از این کار، ترساندن کفّار بود که پندارند کشتار و زخم‌هایی که بر مسلمین وارد آوردند بر ایشان اثری نداشته و موجب سستی آنان نشده. پیغمبر با ۷۰ تـن بیرون شد تا به حمراءالاسد رسید. (طبرسی، *مجمع‌البیان في تفسیر القرآن*، ج ۴، ص ۳۴۶)

این استجابت، برای مؤمنان، «حیات» را به ارمغان می‌آورد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اسْتَجِيبُواْ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (انفال (۸) / ۲۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شـما را بـه چـیزی فـرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حائل می‌گردد و هم در نزد او محشور خواهید شد.

در پنج آیه از قرآن، کلمهٔ «**یحییکم**» آمده که غیر از این آیه، در آیات دیگر «**یُمیتُکُم**» نیز در برابر آن ذکر شده که از صفات خداوند است. امّا در این آیه از «**یُمیتُکُم**» استفاده نشده است پس باید آیه در مورد حیاتی سخن گفته باشد که هیچ موتی در آن نباشد.

۱. منظور، دستور جهاد است. یعنی جهاد کنید تا به شهادت رسید؛ زیرا شهدا، نزد خداوند زنده‌اند. جهاد کنید تا بدین وسیله جامعهٔ شما زنده شود و دین شما عزّت یابد. (سور آبادی، ج ۲، ص ۸۸۲)

۲. مراد، دعوت به ایمان است. زیرا ایمان، حیات دل و کـفر، مـرگ آن است. (مظهری، ج ۴، ص ۴۶)

۳. منظور، قرآن و علم دین است. زیرا نادانی، مرگ و دانش، زندگی است و قرآن از راه علم، اسباب زندگی را فراهم می‌کند و وسیلهٔ نجات است. (مراغی، ج ۹، ص ۱۸۷)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

۴. منظور، دعوت به بهشت است که در آنجا حیات جاودانی است. (طبرسی، *مجمع البیان في تفسیر القرآن*، ج ۱۰، ص ۱۹۲؛ زحیلی، ج ۹، ص ۲۹۰)

تمامی تعاریف، ناظر بر دعوت به اطاعت است ولی آنچه علّامه طباطبایی فرموده‌اند فصل‌الخطاب مطلب و کامل‌کنندهٔ آن است:

آیهٔ شریفه، مؤمنین را به اطاعت دعوت حقه به استجابت خدا و رسولش در پذیرفتن دعوت پیغمبر سفارش می‌کند و ناظر به زندگی حقیقی انسان است که اشرف و اکمل از حیات دنیوی است و با علم و عمل درک می‌شود.
(طباطبایی، *المیزان في تفسیرالقرآن*، ج ۹، ص ۵۶)

امام صادق فرموده‌اند: آیه، در مورد ولایت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نازل شده است. (عروسی حویزی، ج ۲، ؟؟؟)

در آیهٔ مورد بحث، پیامبر مردم را برای «حیات» فرا می‌خواند و در آیهٔ ۲۵ سوره روم خداوند مردم را فرامی‌خواند: ﴿**إِذا دَعاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ**﴾ و این فراخوان به‌سوی رستاخیز است.

۵. دعوت رسول

«رسول» به چه چیزی دعوت می کند که باید استجابت و سپس اطاعت شود؟ دعوت به اطاعت از رسول یا برای پذیرفتن حکم است یا برای گوش دادن واطاعت کردن است یا برای انجام عمل صالح است که در آیات، روش دعوت بیان می شود: ﴿**وَ إِذَا دُعُواْ إِلَىَ اللهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُعْرِضُونَ**﴾ (نور (۲۴) / ۴۸)

و چون به‌سوی خدا و پیامبر او خوانده شوند تا میان آنان داوری کند، ناگاه دسته‌ای از آنها روی برمی‌تابند.

منظور از دعوت به‌سوی خدا، حکم میان طرفین دعوا طبق قوانین الهی است و مراد از دعوت به سوی رسول، حکم ایشان است که براساس شرع صادر می شود و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

همه باید اطاعت کنند؛ زیرا حکم رسول، حکم خداست؛ چنانچه در آیهٔ ۶۵ سورهٔ نساء (۴) نیز تسلیم شدن در برابر حکم رسول، فرض دانسته شده است: ﴿فَلا وَ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لا يَجِدُوا في أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْليماً﴾.

همان‌طور که پذیرش دعوت رسول، «حیات» را در پی دارد روی‌گردان از آن هم «عذاب» را به دنبال خواهد داشت:

﴿لَا تَجْعَلُواْ دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُم بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (نور (۲۴) / ۶۳)

خطاب کردن پیامبر را در میان خود، مانند خطاب کردن بعضی از خودتان به بعضی [دیگر] قرار مدهید. خدا می‌داند [چه] کسانی از شما دزدانه [از نزد او] می‌گریزند. پس کسانی که از فرمان او تمرّد می‌کنند بترسند که مبادا بلایی بدیشان رسد یا به عذابی دردناک گرفتار شوند.

دعای رسول، این است که پیامبر مردم را به امری دعوت کند، مانند دعوتشان به ایمان و عمل صالح، به مشورت در امری اجتماعی، به نماز جماعت یا امر فرمودنش به چیزی از امور دنیا و آخرتشان. امّا در ادامهٔ آیه، دربارهٔ مخالفت با امر پیامبر هشدار داده است. آیه مذمّت می‌کند کسانی را که وقتی پیامبر دعوتشان می‌کند، روی می‌گردانند و اعتنایی به دعوت نمی‌کنند.

مراد از دعای رسول، خطاب کردن و صدا زدن اوست [و در اینجا هشدار می‌دهد] که مردم آن جناب را مثل سایر مردم صدا نزنند، بلکه با مردم فرق گذاشته، او را محترمانه صدا بزنند؛ مثلاً نگویند یا محمّد و یا ابن‌عبدالله، بلکه بگویند یا رسول الله. (طبرسی، مجمع *البیان في تفسیر القرآن*، ج ۱۷، ص ۱۷۷؛ سورآبادی، ج ۳، ص ۱۶۹۷)

مقصود از دعا در اینجا نفرین کردن رسول است و نفرین او مثل نفرین دیگران نیست. آیهٔ شریفه مردم را نهی می‌کند از اینکه خود را در معرض نفرین پیامبر قرار

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

دهند؛ یعنی او را به خشم در نیاورند. چون خدا نفرین او را بی‌اثر نمی‌گذارد. (آلوسی، ج ۹، ص ۴۱۴)

اطاعت از «رسول»، عاملی برای ابتلا و آزمایش بیماردلان است:

﴿أَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمِ ارْتَابُواْ أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ اللهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُوْلَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (نور (۲۴) / ۵۰)

آیا در دل‌هایشان بیماری است یا شک دارند یا از آن می‌ترسند که خدا و فرستاده‌اش بر آنان ستم ورزند؟ [نه] بلکه خودشان ستمکارند.

ظالمان کسانی هستند که برای ایمان به خدا و خاتم پیامبران در قلوبشان شکّ و تردید است.

«مرض قلب» آن است که عقل استقامت خود را در معتقدات از دست داده باشد آنچه را که باید بدان معتقد شود نپذیرد و در عقاید حقّه که تردیدی در آنها نیست شک کند. (طباطبایی، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، ج ۱۶، ص ۴۲۹)

مراد از آنهایی که در دل‌هایشان مرض هست، افراد ضعیف‌الایمان از مؤمنان‌اند و این دسته، غیر از منافقان‌اند که اظهار اسلام می‌کنند و کفر باطنی خود را پنهان می‌دارند. شاید هم اینان کسانی باشند که از ابتدا با ایمانی ضعیف گرویده‌اند، سپس به‌سوی نفاق متمایل شده و در آخر، به‌سوی کفر برگشته‌اند.

منظور ، شک در دین است بعد از ایمان آوردن، نه شک در صلاحیّت داشتن رسول خدا ﷺ برای داوری و حکم یا شک در عدالت او و امثال این امور. (همان، ج ۱۵، ص ۲۰۴)

این گروه، مشمول نفرین الهی شده‌اند: ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضاً﴾ (بقره (۲) / ۱۰) و به همین علّت پلیدیشان رو به فزونی است: ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْساً إِلَى رِجْسِهِمْ﴾ (توبه (۹) / ۱۲۵)؛ آنان به مؤمنان حسادت می‌ورزند: ﴿الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هؤُلاءِ دِينُهُمْ﴾ (انفال (۸) / ۴۹)؛ شیطان بر دل آنان القای فتنه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

می‌کند: ﴿لِيَجْعَلَ ما يُلْقِي الشَّيْطانُ فِتْنَةً لِلَّذينَ في قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾ (حجّ (۲۲) / ۵۳)؛ به فرموده‌های الهی شک دارند: ﴿وَ لِيَقُولَ الَّذينَ في قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكافِرُونَ ما ذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلاً﴾ (مدّثر (۷۴) / ۳۱)؛ از ترس حوادث با یهود دوستی دارند: ﴿فَتَرَى الَّذينَ في قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسارِعُونَ فيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصيبَنا﴾ (مائده (۵) / ۵۲)؛ از ترس جنگ بی‌هوش می‌شوند: ﴿وَ ذُكِرَ فيهَا الْقِتالُ رَأَيْتَ الَّذينَ فى قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ﴾ (محمّد (۴۷) / ۲۰)؛ به خداوند دروغ می‌بندند و مؤمنان را دلسرد می‌کنند: ﴿وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَ الَّذينَ في قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ما وَعَدَنَا اللهُ وَ رَسُولُهُ إِلاَّ غُرُوراً﴾ (احزاب (۳۳) / ۱۲)؛ خداوند آنان را رسوا می‌کند: ﴿أَمْ حَسِبَ الَّذينَ في قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللهُ أَضْغانَهُمْ﴾ (محمّد (۴۷) / ۲۹).

پس هم دل‌هایشان به‌دلیل ضعف ایمان بیمار است، هم شک دارند و هم ترس و وحشت وجودشان را فرامی‌گیرد! هیچ‌گاه اطاعت رسول را نمی‌پذیرند و این‌ها همه مراتبی از ظلم به خویش است.

۶. نتیجهٔ اطاعت از رسول

عمل به اطاعت، خشنودی و رضایت پروردگار را در پی دارد و به عکس، با روی‌گرداندن از اطاعت، نفاق بر چهرهٔ مؤمنان بروز می‌کند: ﴿وَ لَوْ أَنَّهُمْ رَضُواْ مَا آتاهُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ قَالُواْ حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَ رَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ﴾ (توبه (۹) / ۵۹) «*و اگر آنان بدانچه خدا و پیامبرش به ایشان داده‌اند خشنود می‌گشتند و می‌گفتند: خدا ما را بس است به زودی خدا و پیامبرش از کَرَم خود به ما می‌دهند و ما به خدا مشتاقیم* [*قطعاً برای آنان بهتر بود.*]»

براساس آیه، هر انسانی لازم است همواره به امید آینده‌ای بهتر و چشم امید به دست قدرت و مرحمت بی‌پایان خدا و رسول داشته باشد. این آیهٔ شریفه انسان را وامی‌دارد که امید خود را از آنچه در دست مردم است قطع و به خداوند متّصل کند و به دسترنج خویش متّکی باشد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

پس این، ادب نفس و ادب لسان و ادب ایمان است: رضا به قسمت خدا و رسولش و رضا یعنی تسلیم و نه از روی قهر و غلب. وکفایت به الله و الله کافّ عبده. و امید به فضل الله و رسولش و رغبت خالصانه و دوری از طمع دنیوی... این ایمان صحیح است که شادی مؤمن است و تبدیل به نور یقین می‌شود و در قلب منافق، ناشناخته. (سیّدبن قطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۳، ص ۱۶۶۸)

اطاعت نکردن از رسول، عاملی برای شایعه و اختلاف خواهد شد: ﴿**وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُواْ بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُوْلِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لاَتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَنَ إِلَّا قَلِيلاً**﴾ (نساء (۴) / ۸۳) و چون خبری [حاکی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد، انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعاً از میان آنان کسانی هستند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند، و اگر فضل خدا و رحمتِ او بر شما نبود، مسلّماً جز [شمارِ] اندکی، از شیطان پیروی می‌کردید.

مؤمنان وظیفه دارند اخبار را قبل از هر کس با رهبران و پیشوایانشان در میان بگذارند و از اطّلاعات وسیع و فکر عمیق آنها استفاده کنند و مسلمانان را گرفتار عواقب غرور ناشی از پیروزیهای خیالی خود نکنند و با شایعات دروغین خود دربارهٔ شکست، سبب تضعیف روحیهٔ مسلمانان نشوند.

همان اندازه که اطاعت از رسول، عاملی برای رستگاری است، اطاعت نکردن هم عاملی برای گمراهی است.

اطاعت نکردن از رسول، کفر است:

﴿**قُلْ أَطِيعُواْ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ**﴾ (آل عمران (۳) / ۳۲)

روی‌گرداندن از رسول و اطاعت نکردن او، مانعی برای گسترش احکام و حدود الهی است:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

﴿وَ مَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِداً فِيهَا وَ لَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ (نساء (۴) / ۱۴)

اطاعت نکردن از رسول، گمراهی است:

﴿وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ (احزاب (۳۳) / ۳۶)

مؤمنان واقعی که در همه حال مطیع فرمان پروردگار و رسول اویند در تمامی موقعیّتهای دشوار در کنار پیامبراکرم و دوشادوش آن حضرت حضور دارند و هر امداد غیبی که خداوند در آن شرایط برای رسولش می‌فرستد، مؤمنان نیز از آن برخوردار می شوند ـ که آن هم نیست مگر نتیجهٔ اطاعت آنان ـ مانند نزول آرامش:

﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَ كَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَ أَهْلَهَا وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً﴾ (فتح (۴۸) / ۲۶)

آنگاه که کافران در دل‌های خود، تعصّب، [آن هم] تعصّب جاهلیّت ورزیدند، پس خدا آرامش خود را بر فرستادهٔ خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت و [درواقع] آنان به [رعایت] آن [آرمان] سزاوارتر و شایستهٔ [اتّصاف به] آن بودند و خدا همواره بر هر چیزی داناست.

سکینه: آرامش قلب و اطمینان خاطر. (قرشی، ج ۳، ص ۲۸۳) و آن، از بین رفتن رعب و ترس است. (راغب اصفهانی، ج ۲، ص ۲۳۶)

این واژه، در قرآن کریم شش بار به کار رفته است و در هر کدام از آیات، آرامش را به پیامبر و مؤمنان نوید می دهد:

آرامش به مؤمنان و فروفرستادن لشکری که ندیدند: ﴿ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْزَلَ جُنُوداً لَمْ تَرَوْها﴾ (توبه (۹) / ۲۶)؛ آرامش برای پیامبر و فردی که همراه او بود و مجدّداً یاری لشکریان نامرئی و این سکینه هنگامی است که خداوند رسولش را یاری کرد: ﴿إِذْ هُما فِي الْغارِ إِذْ يَقُولُ لِصاحِبِهِ لا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَ أَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْها﴾ (توبه (۹) / ۴۰)؛ آرامش مؤمنان در حقیقت فزونی در ایمان است: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدادُوا إِيماناً مَعَ إِيمانِهِمْ﴾ (فتح (۴۸) / ۴)؛ بیعت با رهبری خشنودی خدا و آرامش مؤمنان را به همراه دارد: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ ما فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ﴾ (فتح (۴۸) / ۱۸).

پس سکینت، از جنود خدای تعالی است.

طبق آیهٔ مورد بحث، کافران «حمیّت»[1] در دل راه دادند. خدا هم در مقابل سکینت را بر رسول و بر مؤمنین نازل کرد و درنتیجه، آرامش دل یافتند و خشم و شجاعت دشمن، آنها را سست نکرد و برعکس، از خود سکینت و وقار نشان دادند. کلمهٔ تقوا، همان کلمهٔ توحید و همان سکینت است.

منظور از سکینت، روح ایمان است که همواره آدمی را امر به تقوا می‌کند (طباطبایی، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، ج ۱۸، ص ۴۳۳) و سکینت، همراه با افزون شدن ایمان بر ایمان (مراغی، ج ۱۰، ص ۸۷) و نیز ملازم با کلمهٔ تقواست، که قلب آدمی را به پرهیز از محرّمات الهی وامی دارد.

خدای تعالی در قرآن، سکینت را به خود نسبت می دهد و آن هم به گونه‌ای که از آن نوعی اختصاص فهمیده می‌شود. دربارهٔ سکینت هم می‌فرماید: ﴿أَنْزَلَ اللهُ سَكِينَتَهُ﴾ *خداوند سکینت خود را بر رسولش و بر مؤمنان نازل کرد.* (ابوالفتوح رازی، ج ۹، ص ۲۰۷)

۱. به حالت خشم و همچنین نخوت و «تعصّب خشم‌آلود»، «حمیّت» می‌گویند. (راغب اصفهانی، ج ۱۸، ص ۴۲۶)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

۷. نتیجه

اطاعت برای مؤمنان، عامل هدایت و دستیابی به رضوان الهی است؛ زیرا بـه واسطهٔ اطـاعت، راه را گـم نـمی‌کنند و از مسـیر مـنحرف نـمی‌شوند. اطـاعت از خداوند، اطاعت از رسول و اطـاعت از اولی‌الامـر، سـلسله مـراتب اطـاعت‌انـد. موضوع مورد اطاعت باید روشن و بدون ایهام باشد: بلاغ المبین.

نتیجهٔ اطاعت، آرامش و امدادهای غیبی در زندگی مؤمنان است.

و آنچه منجر به از دست دادن هویّت واقعی مسلمانان در سراسر جهان است، روی‌گرداندن از رهبران الهی و اطاعت نکردن از ایشان است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]

منابع

۱. آلوسی، سیّد محمود. *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: بی‌تا.

۲. ابوالفتوح رازی، حسین‌بن علی. *روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیرالقرآن*. مشهد: ۱۴۰۸ ق.

۳. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین‌بن احمد. *تفسیر اثنا عشری*. تهران: ۱۳۶۳ ش.

۴. خطیب، عبدالکریم. *التفسیر القرآنی للقرآن*. بی‌جا، بی‌تا.

۵. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمّد. *المفردات فی غریب القرآن*. دمشق: بیروت: ۱۴۱۲ ق.

۶. سورآبادی، ابوبکر عتیق‌بن محمّد. *تفسیر سورآبادی*. تهران: ۱۳۸۰ ش.

۷. سیّدبن قطب‌بن ابراهیم شاذلی. *فی ظلال القرآن*. بیروت: قاهره: ۱۴۱۲ ق.

۸. طباطبایی، سیّد محمّدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: ۱۴۱۷ ق.

۹. طبرسی، فضل‌بن حسن. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ۱۳۷۲ ش.

۱۰. عروسی حویزی، عبد علی‌بن جمعه. *تفسیر نور الثّقلین*. قم: ۱۴۱۵ ق.

۱۱. قرشی، سیّد علی‌اکبر. *قاموس قرآن*. تهران: ۱۳۷۱ ش.

۱۲. لسانی فشارکی، محمّدعلی و مرادی زنجانی، حسین. *روش تحقیق موضوعی قرآن کریم*. زنجان: ۱۳۸۶ ش.

۱۳. مراغی، احمدبن مصطفی. *تفسیر المراغی*. بیروت: بی‌تا.

۱۴. مظهری، محمّد ثناءالله. *التّفسیر المظهری*. پاکستان: ۱۴۱۲ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.30.7.9]